

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۴، بهار ۱۴۰۰
صفحه ۲۰۱ تا ۲۲۲

تأثیر اندیشه های امام خمینی (ره) بر مجازات های جایگزین در دو دهه اخیر انقلاب اسلامی

سپیده هادی نژاد رزین آبادی / دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق دانشگاه آزادی اسلامی واحد آیت الله آملی
مهدی اسماعیلی / استادیار گروه حقوق دانشگاه آزادی اسلامی واحد قائمشهر (نویسنده مسئول)
حسن جاجی تبار فیروز جانی / استادیار گروه حقوق دانشگاه آزادی اسلامی واحد قائمشهر
اسماعیل هادی تبار / استادیار گروه حقوق دانشگاه مازنداران

چکیده

تأثیر جامعه و زمینه های اجتماعی در فقه، از جمله مباحث کلیدی و حائز اهمیت به شمار می رود. این تأثیر در اندیشه و آرای امام، به عنوان شخصیتی تاثیرگذار، بسیار اهمیت دارد. در این مقاله تلاش شده، ابتدا چارچوب نظری بحث بر پایه خوانش امام خمینی از مفهوم مصلحت در پرتو نظریه فقه پویا و فقه حکومتی و همچنین تربیت و اصلاح به عنوان یکی از ارزش های مهم انقلاب اسلامی بررسی شود و در ادامه جلوه های تأثیر اندیشه امام خمینی (ره) بر مجازات ها در دو دهه اخیر انقلاب اسلامی تبیین و تحلیل شده است. نتایج تحقیق حاکی است تحت تأثیر اندیشه های امام خمینی (ره) در خصوص رعایت و توجه به مفهوم مصلحت به ویژه در زمینه قانون گذاری و توجه به مقوله اصلاح و تربیت به عنوان هدف مجازات، صورت گرفته است. امام خمینی (ره) معتقد به تأثیر و تأثر متقابل فرد و جامعه بر یکدیگر بودند و بر این اساس توجه به اصلاح و بهبود زندانیان با استفاده از روش های مختلف از جمله بهره گیری از مجازات های جایگزین حبس در راستای تحقق جامعه مطلوب و سالم، ضروری است.

کلیدواژه: انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، مجازات، مصلحت، اجرای احکام

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

مقدمه

از دیدگاه امام (ره)، «جامعیت» یکی از ویژگی های اساسی دین است. در این خصوص در کتاب ولایت فقیه می فرمایند که اسلام: «برای همه امور قانون و آداب آورده است. برای انسان پیش از آنکه نطفه اش منعقد شود تا پس از آنکه به گور می رود، قانون وضع کرده است. همان طور که برای وظایف عبادی قانون دارد. برای امور اجتماعی و حکومتی قانون و راه و رسم دارد... هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد.» (خمینی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۶) با توجه به جامعیت و جاودانگی دین و آمیختگی آن به سیاست، تشکیل حکومت برای اجرای قوانین اسلام و دستیابی به اهداف آن، ضرورت می یابد؛ اولاً: ماهیت و چگونگی قوانین اسلام حاکی است که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریع شده است. احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوع است که یک نظام کلی اجتماعی را می سازد. در این نظام حقوقی، هر چه بشر نیاز دارد فراهم آمده است. ثانیاً: دقت در این احکام و قوانین، نشان می دهد که اجرای آن ها و عمل بدان ها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور نمی توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد. (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۰) بر این اساس یکی از دلایل تأسیس انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (ره) اجرای احکام اسلامی و از جمله در زمینه احکام حقوق کیفری و مجازات هاست. در همین حال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در مسئله اجرای احکام جزایی اسلام توجه مسئولین ارشد نظام جمهوری اسلامی و علما و روحانیون، به طور عمده حول دو محور اساسی قرار می گرفت محور اول توجه به جرائمی که از نظر شرع اسلام جزء اعمال محرم بوده و برای آنها مجازات پیش بینی شده است از قبیل شرب خمر، زنا، لواط، مساحقه، که در کتب فقهی نوعاً تحت عنوان کتاب الحدود مورد بحث قرار گرفته است؛ محور دوم اعمال مجازات هایی بود که از نظر فقها «مجازات های شرعی» تلقی می شد، که نوعاً ناظر به مجازات های بدنی بوده و در بخشی هم بعنوان «دیات» جنبه مالی پیدا می کرد، تلقی عنوان «مجازات های شرعی» از این نوع مجازات ها موجب گردیده بود که عدم اجرای این نوع مجازات ها و جایگزین ساختن آن با مجازات های عرفی، چون حبس و جریمه به عنوان عدم اجرای احکام اسلام و تعطیل بخش جزایی فقه تلقی گردد و حساسیت خاصی نسبت به این امر ایجاد شود. پس از فراز و نشیب های گوناگون، بتدریج مجازات های عرفی مجدداً مورد پذیرش نظام قانونگذاری کشور ما واقع گردید و در واقع، تلقی مجازات های

خلاف شرع و حرام از انواع ضمانت اجراهای کیفری حقوق عرفی، تغییر کرد و در جهت اصلاح و تبدیل مجازات‌های شرعی خصوصاً مجازات‌های بدنی، اقدامات تقنینی مناسبی صورت گرفت. این روند در قانون مجازات ۱۳۷۰ و سپس ۱۳۹۲ به شکل برجسته تر و ملموس تری انجام شد حال سوال اساس این است که اندیشه های امام خمینی چه تاثیری بر عرفی شدن مجازات در دو دهه اخیر انقلاب اسلامی داشته است؟ در مقاله حاضر به بررسی این سوال پرداخته می شود. در همین راستا ابتدا، چارچوب نظری مقاله بررسی و در ادامه، جلوه های تاثیرگذاری اندیشه های امام خمینی بر عرفی شدن مجازات در دو دهه اخیر انقلاب اسلامی و به ویژه قانون مجازات‌های ۱۳۹۲ تبیین و تحلیل می‌شود.

۲- چارچوب نظری؛ نظریه مصلحت و تربیت افراد جامعه به عنوان ارزش مهم

انقلاب اسلامی

به عنوان چارچوب نظری مقاله از دیدگاه امام خمینی (ره) در خصوص نقش تعیین کننده مصلحت در پرتو نظریه فقه پویا و فقه حکومتی و در همین حال تربیت اسلامی افراد جامعه به عنوان یکی از ارزش‌های انقلاب اسلامی استفاده می‌شود. نظریه مصلحت از این جهت که امکان توجه به مجازات‌های تعزیری کارآمد و متناسب با شرایط را فراهم میکند و تربیت اسلامی افراد جامعه نیز از این نظر که تبیین کننده رویکرد کیفرزدایی و حبس زدایی و مجازات‌های جایگزین است.

هدف شریعت از نظام کیفری به طور مسلم بازدارندگی از وقوع جرم، حمایت از مصالح و منافع عمومی، اصلاح و بازپروری و در یک کلام تحقق عدالت و امنیت فردی و اجتماعی است، شیخ محمد شلتوت مینویسد «هدف از مجازات‌ها در اسلام اصلاح نفوس و تهذیب آنها و تلاش در جانب سعادت جوامع بشری نه تعذیب» (شلتوت، ۱۳۸۲: ۱۰۸) قانون الهی بیانگر رحمت و لطف خداوند است منان نسبت به انسان و جامعه انسانی است؛ اساس و پایه شریعت بر محبت و مدارا استوار است و تعالیم و احکام دین نیز مظهر رحمت الهی است، لذا قرآن از زبان ملائک حامل عرش که تسبیح و تقدیس میکنند و از برای مؤمنان استغفار مینمایند، می‌فرماید «لِّلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسَعْتَ كُلِّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا» (غافر/ ۶) خداوند وسعت رحمتش تا بدان جاست که حتی ملائک را مأمور به دعا برای بندگان خود مینماید و ابزار مغفرت را هم رحمت و اسعه الهی می‌شمارد، قوانین کیفری نیز از این قاعده مستثنی نیستند، هم چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»

امام خمینی (ره) بر این باور بودند که احکامی که در اسلام آمده، اعم از احکام سیاسی، و یا مربوط به حکومت، و یا مربوط به جامعه و یا افراد و یا احکام مربوط به فرهنگ اسلامی، تمام اینها موافق با احتیاجات انسان است (خمینی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۳۲). امام خمینی (ره) معتقد به فقه حکومتی بود. فقه حکومتی، فقه معطوف به تشکیل حکومت، فقه اداره جامعه (مبلغی، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۷)، یا به معنای اتخاذ رویکردی است که به همه ابواب فقهی ناظر بوده و دیدگاهی درباره روش اجتهاد و استنباط احکام پیشنهاد می کند و متذکر می شود که در استنباط احکام از منابع، اموری را باید مد نظر داد که مهم ترین آنها، قابلیت اجرای احکام استنباط شده در یک نظام حکومتی است (ضیائی فر، ۱۳۹۱: ۳۰).

امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مهم ترین عنصر در تعیین جرائم تعزیری را مصالح و مفاسد عمومی مطرح کردند. از دیدگاه ایشان مصلحت به معنای منافی است که اگر چه به طور غیر مستقیم به عموم مردم باز گردد، گرچه فرض شود که گروهی یا قشری نمی توانند از آن بهره ببرند. (خمینی ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۳). به طور کلی امام خمینی (ره) متعلق مصلحت را در پنج مورد معرفی فرمودند: الف: مصلحت نظام. ب: مصلحت مردم. ج: مصلحت اسلام. د: مصلحت مسلمین. ه: مصلحت کشور. بنابراین مصلحت آن است که به نفع عموم باشد و همه بتوانند از این مصلحت منتفع شوند اگر چه به با منافع عده ای کمی نیز در تعارض باشد. از دیدگاه حضرت امام (ره) مصلحت تنها به مصالح اقتصادی و سیاسی مربوط نمی شوند بلکه مسائل فرهنگی و فرهنگ اسلامی را نیز در بر می گیرد. به همان گونه که امور معنوی و دینی را نیز شامل می شود و نمی توان مصلحت را در امور مادی و دنیوی خلاصه کرد (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۵۳۲).

امام خمینی (ره) از عنصر «مصلح عمومی» به عنوان یک اصل مهم در مقام اجتهاد، قانونگذاری و تعیین احکام اداره جامعه یاد می نمایند: «مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند...» (ه خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۷-۱۷۸). به عبارت دیگر، گذشت زمان و تحول مکان، در پیدایش موضوعات تازه، تحول ماهیت برخی از مسائل پیشین و پیدایش نگرش ها و نیازهای نوین، مؤثر است و همین امر فقهای را که با نگرش امام (ره) به مقوله «فقه» می اندیشند به آن جا هدایت می کند که با نگرش بسیار وسیع تر و تخصصی تر از فقهای پیشین به این موضوع نگاه کنند. این چنین است که (فقه پویای مبتنی بر «فقه جواهری» از سوی امام (ره) مطرح می شود؛ فقهی که به طور کامل با زندگی انسان در هر عصر و دوره های ارتباط دارد و کاملاً بر اداره

مردم تواناست. (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۹۲). خلاصه کلام آنکه، با تأمل در اندیشه امام معلوم می‌شود که ایشان معنای خاص و تازه‌ای از مصلحت را مد نظر داشته‌اند. اهمیت این دیدگاه از آنجا ناشی می‌شود که امام موفق شدند در درون گفتمان سیاسی شیعه، تقریری از مفهوم مصلحت حکومتی ارائه دهند که با عقاید فلسفی، کلامی و فقهی شیعه هیچ گونه تضاریبی نداشت. حال آنکه امام از مصلحت به عنوان یک روش در امر خطیر حکومت هرگز غافل نبوده‌اند و معتقدند حکومت می‌تواند در امور مطابق مصلحت عموم عمل نماید.

نکته مهم دیگر توجه به تربیت و اصلاح در انقلاب اسلامی است. امام خمینی ضمن تاکید بر عامل معنویت به عنوان یکی از اهداف عمده انقلاب اسلامی، مقصد نهضت را ترویج اخلاق و آداب اسلامی (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۲۶۱ و ۲۶۲)، انسان سازی و تربیت نسل آینده و اصلاح فرهنگ (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۱۶۲)، تحقق ارزش‌های اسلامی - انسانی و خارج کردن مردم از اسارت نفس (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۸: ۳۲) می‌داند و معتقد است هدف معنوی انقلاب اسلامی مبارزه با فساد و فحشاء جنسی و اداری (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۸۵ و ۱۱۶)، قطع ریشه های فساد، منع از انواع کجرویه‌ها و تحقق ارزش‌های اخلاقی بوده است (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۶: ۲۶۴). از سوی دیگر، حضرت امام، علاوه بر جلوگیری از فساد و تباهی جامعه و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف، هدایت از بت پرستی به یکتاپرستی و مبارزه با ارزش‌های جاهلیت (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۲۹)، بر تضمین سعادت بشر (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۱۴)، تامین رفاه همگان (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۲)، اصلاح شرایط زندگی برای اکثریت قاطع ملت و برقراری صلح بر پایه شرافت و انسانیت به عنوان اهداف نهضت اسلامی تاکید داشتند. بدیهی است چنین دیدگاهی با حبس به عنوان مجازات با توجه به آثار سوء این نوع مجازات بر تربیت زندانی و وضعیت خانواده وی، همخوانی ندارد.

حتی اگر زندان را کیفر بیندازیم، مادام که زمینه‌های ارتکاب جرم و عوامل جرم‌زا را از میان نبرده ایم، روز به روز شاهد توسعه جرایم، جنایات و ناکامیها خواهیم بود، کیفر منهای زدودن عوامل جرم ممکن است به وسیله‌ای برای ازدیاد آن تبدیل گردد؛ لذا در جرایم مالی خصوصاً در مواردی که بدهکار معسر است، باید به دنبال عوامل اصلی بود. شرایط حاکم بر جوامع از جمله تورم و نوسانهای اقتصادی، جامعه را لاجرم در مسیر فقر و در نتیجه، وقوع انواع جرایم مالی و غیر مالی قرار میدهد.

حضرت امام خمینی (ره) در فرمایشات خود به تعدیل و تاکید بر اصلاح در مجازات حبس تاکید داشته‌اند. این عبارت مشهور که «زندان‌ها را باید به دانشگاه تبدیل کنیم» بیانگر

دیدگاه های ایشان در خصوص تعدیل مجازات حبس و تغییر کارکرد زندان است که قابل تسری به مجازات های جایگزین از جمله حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه ای خاص یا اقامت یا عدم اقامت در زندان است. استفاده صرف از مجازات حبس و عدم پرداختن به مجازات های دیگر، نه تنها جامعه را عاری از تبهکاری و کج روی نمی کند، بلکه دو نتیجه نامطلوب را به همراه دارد: اول اینکه، امروزه مجازات حبس بیش از پیش جنبه تنبیهی خود را از دست داده است. مطالعات نشان می دهد عملکرد زندان به عنوان محل اجرای حبس، حاکی از آن است که از نظر اهداف مجازات ها مانند تاثیر آن در پیشگیری از بزهکاری و جلوگیری از تکرار جرم و ارباب و اصلاح محکومان کم بوده است. دوم اینکه، مجازات حبس، مجرم را به صورت مقطعی از جامعه دور می کند و حالت مسکن دارد و تنها در مدت سپری شدن محکومیت مجرم است که جامعه از خطر وی مصون می ماند و چه بسا بعد از آزادی از زندان، جنبه اربابی این مجازات و ایجاد هراس درونی در وی از بین برود و سبب تجری مرتکب در آینده شود.

۳- رویکرد جامعه شناختی امام خمینی (ره)

برای تبیین دقیق تر تاثیر اندیشه های امام بر مجازات های جایگزین در دو دهه اخیر انقلاب اسلامی لازم است زمینه های جامعه شناسی دیدگاه ایشان در خصوص فرد و اجتماع بررسی شود. مفهوم جامعه از دیدگاه امام می توان گفت دیدگاه امام به جامعه به پارادایم نظم نزدیکتر است با این تفاوت که افراد جامعه دارای اختیار و آگاهی هستند و می توانند سرنوشت خودشان را رقم بزنند. از دیدگاه امام، جامعه چیزی سواى افراد نمی باشد و افراد هستند که موجبات تشکیل جامعه اسلامی را فراهم می آورند. ولی در عین حال برای جامعه وجودی مستقل قایل است که ماهیتی مستقل برای خود دارد. امام فطرت اجتماعی انسان را علت اصلی تشکیل جامعه می داند و یادآور می شود که نوع انسان در دنیا قادر به زندگی انفرادی نیست. (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۳۴۷) «زندگانی انفرادی [در دنیا] برای هیچکس میسر نیست، مگر آنکه از جامعه بشریت خارج شده به حیوانات وحشی ملحق گردد؛ و زندگانی اجتماعی چرخ بزرگش بر اعتماد مردم به یکدیگر می چرخد.» (خمینی، ۱۳۶۸: ۴۷۶) امام در جای دیگر افراد جامعه را به قطرات باران و خود جامعه را به نهر ها، سیل و دریا تشبیه می کند و تصریح می کند که «هر قطره ای تا اجتماعی نباشد کاری از آن نمی آید... اینها با هم که مجتمع شدند این ضریب آن قطرات است.» (خمینی، ۱۳۸۶؛ ج ۴، ص ۲۳۰-۲۳۱)

از دیدگاه امام خمینی، همواره میان فرد و جامعه تعامل برقرار است. به عبارت دیگر، ایشان شکل‌گیری و رشد اجتماعی و فردی رفتارهای انسانی را در ارتباط متقابل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی می‌دانند. این در حالی است که مارکسیست‌ها بر تأثیر جامعه‌شناختی تأکید می‌ورزند و لیبرالیست‌ها بر بعد روان‌شناختی انگشت می‌گذارند. ایشان در زمینه تأثیر جامعه بر فرد معتقدند: «انسان در اجتماعات بزرگ، نظیر راهپیمایی‌ها تحت تأثیر واقع می‌شود و چه بسا که از خود بی‌خود شود و از یک شعار و فریاد بی‌توجه تبعیت کند.» (همان، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص ۲۹) «وقتی یک جامعه‌ای راه افتاد، آن هم که نخواهد، قهراً کشیده می‌شود... وضع جامعه و اجتماع این‌طوری است.» (همان، ج ۸، ص ۵۳۲) امام درباره تأثیر فرد بر جامعه بر این باورند: «عمل یک شخص در یک جامعه اثر دارد... عمل هر یک از شما تأثیر دارد، وقتی شما یک عمل زشتی کردید، دیگران هم که می‌بینند در آنها تأثیر می‌کند. وقتی شما یک عمل صالحی انجام دادید، دیگران هم وقتی که می‌بینند در آنها تأثیر می‌کند» (همان، ج ۱۳، ص ۴۰۱-۴۰۲) «کسی که به یک ملتی سلطه دارد، به یک ملتی حکومت دارد، این چنانچه عدالت پرور باشد، دستگاه او عدالت پرور خواهد شد؛ قشرهایی که به او مرتبط هستند، قهراً به عدالت گرایش پیدا می‌کنند.» (همان، ج ۹، ص ۱۳۵)

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که امام دیدگاه تلفیقی نسبت به اصالت جامعه و فرد دارد زیرا ضمن اینکه برای فرد اصالت قائل است ولی تصریح می‌کند که فرد به تنهایی قدرتی ندارد و تا اجتماعی نباشد قادر به انجام کاری نیست.

مواضع و دیدگاه‌های امام در قبال جامعه، مانند هر متفکر دیگری، تحت تأثیر مبانی کلی تری قرار دارد که بدون شناخت و توجه به آنها، فهم مواضع ایشان دشوار خواهد بود. یکی از مهم‌ترین این مبانی اسلام و قرآن است که به نظر امام در هر عصر و زمان و متناسب با هر سطح پیشرفت، امکان تمسک به آن وجود دارد. امت از نظر قرآن همان جامعه مطلوبی است که مسلمانان به دنبال آن هستند و در پی تحقق این جامعه است که مدینه فاضله برای انسانی که قصد رشد در این جهان را دارد ظهور می‌یابد. این جامعه که صفت واحد برای آن ذکر شده در پناه یک پروردگار یگانه و هدف مشخص شکل می‌گیرد که دارای برنامه‌ای دقیق و حساب شده است. به وضوح می‌توان دریافت که جامعه مطلوب در قرآن جامعه‌ای است که بر اساس احکام اسلام بنا نهاده شده است.

بر اساس آنچه گفته شد حضرت امام به تأثیر و تأثیر متقابل جامعه و فرد بر یکدیگر اعتقاد داشته و بدیهی است لازمه رسیدن به جامعه سالم و مطلوب اصلاح این دو به عنوان دو عنصر

لازم و ملزوم یکدیگر می باشد. امام اصالت برای فرد اهمیت قائل است ضمن اینکه معتقد بودند فرد به تنهایی و بدون وجود اجتماع و حمایت عامه مردم کاری از پیش نمی برد. همچنین امام دید اندام‌واره ای به جامعه دارند و معتقدند که جامعه از بخش های مختلف تشکیل شده و هر کدام وظیفه ای بر عهده دارند و همه رو به سوی یک هدف مشترک دارند. لذا تلاش برای اصلاح فرد بزهکار در قالب جایگزین های حبس می تواند نقش مهمی در اصلاح جامعه داشته باشد و زمینه های بیشتر جامع سالم و مطلوب را فراهم آورد.

۴- جلوه هایی از تاثیر اندیشه امام خمینی بر مجازات های تعزیری

امام خمینی به فقه حکومتی اعتقاد داشتند. در فقه حکومتی، شرایط زمان و مکان برای موضوع، مصادیق جدیدی کشف می کند که همگی واجد ملاک هستند. احکام اجتماعی اسلام، برای اداره جامعه و تشکیل جامعه اسلامی وضع شده و مقررات اجتماعی صلاحیت اداره جامعه را دارد. از این رو، سکولاریسم و جدایی دین از سیاست و عدم دخالت دین در امور اجتماعی، از دیدگاه اسلام مردود است. امام خمینی، حکومت را در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمام فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت می داند و حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه، در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. دومین مؤلفه اندیشه امام، عدم اکتفا به اجتهاد اصطلاحی است. برای آشنایی با اندیشه های فقهی و آرای ایشان، لازم است بازخوانی و تعریفی جدید نسبت به مفهوم «اجتهاد» صورت گیرد. امام بر این باورند که اجتهاد اصطلاحی کافی برای اداره جامعه نمی باشد، روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشند، نمی تواند درک کنند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست (خمینی، ۱۳۷۷، ج ۲۱: ۲۹۰). بنابراین، اجتهاد در اندیشه امام برای اداره جامعه، غیر از اجتهاد مصطلح است. در این نوع اجتهاد، علاوه بر شرایط اجتهاد صاحب جواهری، توجه به مسائل و مشکلات اجتماعی جامعه، در اجتهاد فقیه نیز مؤثر است. از این رو، اجتهادی متکی بر جنبه های فردی احکام اسلامی و بی توجه به جنبه های اجتماعی و حکومتی اسلام، کافی نیست و اداره جامعه، بر اساس آن ممکن نخواهد بود. این امر به قانون گذار این امکان را می دهد که بر اساس مقتضیات زمانی و با توجه اصل مصلحت در خصوص مجازات های تعزیری قانون گذاری نماید.

اما همان گونه که اشاره شد، توجه به تربیت اسلامی یکی از ارزشهای مهم انقلاب اسلامی است که با مجازات جیس سازگاری ندارد. بررسی های صورت گرفته در حیطه علم جرم شناسی و مطالعه در خصوص زندان ها حاکی از آنست که رفتار مجرمانه رفتاری عقلانی

است. این فرض را در مورد ارتکاب مجدد جرم پس از زندان بیشتر می‌توان پذیرفت، زیرا اولین جرم ممکن است واکنشی باشد، ولی در ادامه احتمالاً تبدیل به کنش می‌شود و تحت تأثیر موقعیت اجرا می‌شود. بر این مبنای، چنین نیست که افراد صرفاً به سوی فعالیت‌های تبه‌کارانه رانده شوند، بلکه فعالانه دست زدن به این اعمال را انتخاب و فکر می‌کنند که ارزش خطر کردن را دارد. بنابراین، باید منافع و هزینه‌های ارتکاب جرم را از دیدگاه عامل رفتار، شناسایی و سپس تعیین کرد که زندان چه تغییری در منافع و هزینه‌های مذکور ایجاد می‌کند و آیا سود یا زیان خالص را برای ارتکاب جرم افزایش می‌دهد یا کاهش؟ (عبدی، ۱۳۸۱: ۸۱) در مجموع، می‌توان مدعی شد که زندان از جهات مختلف ممکن است مانع پیشگیری و موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم شود، زیرا زندان ممکن است، موجب تغییر در گروه‌های مرجع و وابستگی‌های فرد به دیگران، اعم از وابستگی‌های فکری و اخلاقی (دانش‌ها، باورها و ارزش‌ها) و وابستگی‌های رابطه‌ای و مادی شود، موجب برجسب اجتماعی شود و خلاصه در هر سه حوزه حقوقی، اجتماعی و روان‌شناختی در زندان تأثیر بگذارد و موقعیت فرد را برای ارتکاب جرم معینی تغییر دهد.

دستیابی به دو هدف اصلاح و مجازات، به طور همزمان، در عمل ممکن نیست. لزوماً تدابیر اصلاحی-درمانی، در مقایسه با اجرای مجازات‌های کلاسیک، نتایج بهتری در زمینه پیشگیری از تکرار جرم به دست نمی‌دهد. از اینرو، برخی از این تفکر دفاع می‌کنند که مجازات زندان باید همچون هدفی جنبی ولی مطلوب، باقی بماند، زیرا اگر هدف اصلی مجازات در نظر گرفته شود، نظریه اصلاح خدشه‌دار می‌شود و به نتایج مطلوب نخواهد انجامید. به همین دلیل، در دهه‌های گذشته، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، دیدگاه جدیدی با عنوان جنبش دفاع اجتماعی تقویت شده است. این دیدگاه در نقد نظام موجود کیفری و مخالفت با تکیه صرف بر جنبه حقوقی کیفر شکل گرفته است. (آنسل، ۱۳۹۱: ۴۳) در نتیجه این دیدگاه‌هاست که اکنون شیوه‌های جدید کیفری از قبیل حبس خانگی، آزادی با قید التزام، محکومیت تعلیقی، امکان مرخصی‌های زیاد و ... رواج بیشتری پیدا کرده است. علاوه بر این به مسئله جرم‌زایی زندان بعنوان موضوع مهمی در مطالعات آسیب‌شناسانه توجه شده است.

سیاست جنایی تقنینی ایران صرفاً براساس برداشت‌های انتزاعی از مفهوم جرم و مجازات، در بعضی موارد با جرم‌انگاری‌های افراطی نه تنها نظام عدالت کیفری را با بحران تورم کیفری مواجه ساخته، بلکه با تجاوز به حقوق و آزادی‌های فردی، زمینه نارضایتی و بی

اعتمادی جامعه به واضعان سیاست جنایی را نیز مهیا نموده است (نجفی توانا ۱۳۸۶: ۲۵۱). علاوه بر این که، این امر با افزایش جمعیت کیفری زندان های کشور هزینه های هنگفت را بر کشور و بیت المال تحمیل کرده است و همچنین آثار سو اجتماعی و فرهنگی در سطح جامعه برای خانواده های محکومین ایجاد نموده است و در فروپاشی خانواده ها نقش بالایی داشته است.

همین امر سبب شد توجه به کارآمدی مجازات ها مطابق دیدگاه امام خمینی (ره) که بر توجه به مفهوم مصلحت مطابق مقتضیات زمانی و در عین حال تربیت اسلامی افراد جامعه تاکید داشتند، برخی نوآوری ها در زمینه مجازات های تعزیری انجام شود. بر همین اساس در خصوص مجازات ها در حقوق کیفری نیز می توان به مصادیقی اشاره کرد که تحت تاثیر اندیشه امام خمینی در خصوص مصلحت و فقه حکومتی از سوی قانون گذار در راستای کیفرزدایی به ویژه در دو دهه اخیر انقلاب اسلامی، وضع گردیده است. این مصادیق عبارتند از:

۴-۱- معافیت قانونی

در نهاد تازه تاسیس معافیت از مجازات در قانون مجازات ۱۳۹۲، معافیت موارد معافیت در قانون به صورت صریح و روشن مشخص شده است. (پور بهمنی، ۱۳۹۳: ۴۴) معافیت از مجازات، موضوع معاذیر قانونی معافیت از مجازات است که با عوامل موجهه جرم متفاوت است. به طوری که طبق ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دفاع مشروع رفتاری مجرمانه است که در صورت اجتماع شرایط چهارگانه مذکور در ماده قانون مزبور، مرتکب (و یا دفاع کننده) در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری مجازات نمی شود. تبدیل اصطلاحات حقوقی «علل یا عوامل موجهه جرم» به معاذیر قانونی معافیت از مجازات، دفاع کننده را سال ها دچار مشکل می سازد؛ زیرا معافیت مرتکب از مجازات منوط به حکم دادگاه است که مرتکب را سال ها دچار تعقیب و تحقیق و حضور در مراجع قضایی میکند. تا دادگاه شرایط را احراز کند پس تسلیم به متجاوز و متعدی و پذیرش خفت با سلب حیثیت ممکن است موجب تسلیم و رضای قربانی به تجاوزات و تعدیات ستمگران شود. بر این اساس فلسفه معافیت مجازات چنین است که گاهی شرایط ارتکاب جرم و یا خصوصیات اجتماعی و روانی مرتکب به نحوی است که اقتضا دارد مجرم معاف شود. تصمیم و صلاح دید در این گونه معافیت ها به شخص قاضی واگذار گردیده است.

مطابق ماده ۳۹ قانون مجازات ۱۳۹۲: «در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف، چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌شود، در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن، می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند».

در جرائم تعزیری موجب مجازات‌های درجه ۷ و ۸ تعزیری دادگاه پس از احراز مجرمیت با جمع شرایط ذیل می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند:

- ۱- تشخیص اصلاح بزهکار در صورت عدم اجرای مجازات.
 - ۲- فقدان سابقه کیفری مؤثر. (با لحاظ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی)
 - ۳- گذشت شاکی خصوصی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران.
- با لحاظ تبصره ۲ م ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی جرائم مستوجب تعزیرات منصوص شرعی از شمول ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی خارج است بنابراین این نوع مجازات‌ها از شمول معافیت خارج هستند.

به موجب ماده ۱۶ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۱/۶/۷؛ (قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۱/۶/۷). «چنانچه دارندگان غیرمجاز انواع اسلحه و مهمات داوطلبانه ظرف ۶ ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون موارد مذکور را به یکی از مراکز نظامی، انتظامی و یا امنیتی تحویل دهند از مجازات معاف می‌شوند و در صورتی که با سلاح مزبور مرتکب جرمی شده باشند فقط به مجازات مقرر در قوانین مربوط به همان جرم محکوم می‌شوند». ماده ۱۷ این قانون هم به همکاری متهمان با مأموران در کشف سلاح و مهمات به عنوان عذر مخففه اشاره کرده است.

تأسیس معافیت از کیفر که قبلاً تنها در موارد خاصی از قبیل معرفی شرکاء و معاونین جرم در بعضی از مقررات قانونی از جمله ماده‌ی ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده‌ی ۵ قانون مجازات اخلال گران در امنیت پرواز هواپیما پیش‌بینی شده بود. در نظام حقوق کیفری ایران به شکل مندرج در ماده‌ی ۳۹ فاقد پیشینه تقنینی است؛ زیرا این نوع معافیت مبتنی بر اصلاح مرتکب و کیفر زدایی است. لذا ماهیتاً با آنچه در قوانین خاص پیش‌بینی شده بود متفاوت است.

۴-۲- مجازات جایگزین حبس

یکی از مهم ترین ابزارهای کاربردی اعمال مجازات می باشد که قانونگذاران با تدوین قوانین و مقررات مختلف به دنبال آنند تا با مناسب ترین تدابیر بزهکاران را از ارتکاب مجدد بزه بازدارند. امروزه مجازات های جایگزین حبس بیش از سایر مجازات ها مورد توجه و مورد اقبال قانونگذاران قرار گرفته است. (نجفی قیری، ۱۳۹۲: ۲) برخی از مهم ترین انواع مجازات های جایگزین حبس عبارتند از: جزای نقدی، حبس خانگی، خدمات عام المنفعه، دوره مراقبت و محرومیت از حقوق اجتماعی که در این قسمت بررسی می شود.

۴-۲-۱- جزای نقدی روزانه

موضوع حبس بدل از جزای نقدی روزانه یا کسر ایام بازداشت قبلی از شلاق یا حبس یکی از تاسیس های مثبت در نظام کیفری ایران است که در ماده ۲۷ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ هر روز بازداشت معادل سه ضربه شلاق و ۳۰۰ هزار ریال است. هیأت وزیران با مجوز ماده ۲۸ قانون مذکور در آبان ماه سال جاری با تصویب نامه ای رقم ریالی را به ۴۰۰ هزار ریال افزایش داده است. در نسخه اصلاحی ماده ۲۷ این رقم به ۵۰۰ هزار ریال افزایش پیدا کرده است، به علاوه کسر ایام بازداشت قبلی به مجازات های جایگزین حبس نیز تسری پیدا کرده است. همچنین در قانون فعلی چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می شود که در نسخه اصلاحی اختیارات صلاح دیدی قاضی افزایش پیدا کرده است و می تواند این ارفاق را حسب مورد نسبت به هر مجازاتی که صلاح بداند، محاسبه کند. به علاوه قاضی اجرای احکام نیز بر این موارد نظارت دارد. اضافه می شود در تبصره پیشنهادی الحاقی به این ماده متن تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مورد بازداشت های کمتر از ۲۴ ساعت عینا تکرار شده است. مطابق متن پیشنهادی «مدت حبس از روزی آغاز می شود که محکوم به موجب حکم قطعی لازم الاجرا حبس می شود. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده وی مطرح بوده، بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می شود. در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت معادل سه ضربه شلاق یا پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی است.

همچنین، در مورد محکومیت به مجازات های جایگزین حبس یا اقامت اجباری در محل معین، به ازای هر روز بازداشت قبلی، دو روز جزای نقدی روزانه، ۴۸ ساعت خدمات عمومی رایگان و ۱۰ روز از دوره مراقبت یا محرومیت از حقوق اجتماعی یا اقامت اجباری در محل معین کسر می شود. چنانچه مجازات متعدد باشد، مقام قضائی می تواند حسب مورد آن را

نسبت به حبس یا شلاق یا جزای نقدی محاسبه کند. قضات اجرای احکام موظفند بر رعایت مراتب فوق به هنگام اجرای مجازات نظارت کنند و در صورت عدم رعایت، خود اقدام کنند. اگر مدت زمان تحت نظر یا بازداشت شدن متهم در احتساب ایام بازداشت شدن کمتر از ۲۴ ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز حساب می‌شود.»

ضمناً به موجب پیشنهادی که در مورد اصلاح ماده ۲۸ این قانون شده، افزایش رقم ریالی به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران در مورد احکامی که بعد از آن صادر یا اجرا می‌شود لازم الاجراست. که عبارت (یا اجرا می‌شود) در حال حاضر وجود ندارد.

۴-۲-۲- حبس خانگی

همانگونه که ظاهر کلام نیز نشان می‌دهد منظور از حبس خانگی یا حبس در منزل یا بازداشت خانگی، الزام فرد به حضور در منزل و خودداری از عبور و مرور آزادانه است و در واقع منزلش در حکم سلول زندان است. (حبیب زاده؛ نجفی ابرندآبادی؛ خالقی، ۱۳۸۰: ۱۴۸) اما این به معنی این نیست که تمامی افراد محکوم باید در تمام طول محکومیت خود در خانه بمانند و حق خروج را نداشته باشند بلکه ممکن است نسبت به ساعاتی خاص از یک شبانه روز اعمال گردد و فرد حق خروج از محل سکونت خود را در ساعات مشخص شده نداشته باشد. اگر به مجموعه قوانین خود نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که قانونگذار ایران تاچندی پیش از نهاد سودمند حبس خانگی سخنی به میان نیاورده و به پیش بینی آن نپرداخته بود. از جمله آنها می‌توان به برخی از شعبات دادگاه اطفال اشاره نمود که اقدام به صدور آرای در زمینه اعمال کیفر حبس خانگی نموده اند. به عنوان نمونه شعبه ۲۱۰۲ دادگاه عمومی تهران که رسیدگی به پرونده های اطفال و نوجوانان را به عهده دارد در مواردی چون دادنامه ۱۷۵ سال ۱۳۷۹ به مجازات حبس خانگی رأی داده است. هر چند در آرای صادره روند مشخصی برای اجرای آن پیش بینی نشده است.

۴-۲-۳- خدمات عام المنفعه

در این مجازات، فرد موظف است تا به ارائه خدماتی بپردازد که نفع اجتماعی داشته و به سود سایرین باشد تا اینگونه بتواند دین خود را به جامعه ادا نماید. ماده یک آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ نیز در تعریف این شکل از مجازات بیان داشته است: «خدمت عام المنفعه ای که با رضایت محکوم برای مدت معین و به طور رایگان به موجب حکم دادگاه و وفق ماده (۸۴) قانون به شرح مندرج در این آیین نامه، در نهادهای پذیرنده انجام می‌گیرد.»

استفاده از خدمات عام النفعه که به آن خدمات عمومی رایگان نیز می گویند سابقه قانونی خاصی در کشور ما ندارد و کمتر مورد عنایت قانونگذاران پیشین قرار گرفته بود. در عمل نیز معمولاً این نوع مجازات بسیار نادر بوده است و در موارد محدودی به چشم می خورد مثل یکی از آراء دادگاه اطفال، (پرونده کلاسه ۱۳۷۹/۲۱۰۲/۲۸۳/۸/۱-۱۳۷۹) نوجوانی که مرتکب رابطه نامشروع شده بود، به ارائه شش ماه خدمات رایگان به مکانی مانند کانون اصلاح و تربیت، خانه سالمندان کهریزک یا اداره بهزیستی تحت نظارت کانون، محکوم شده بود. (خواجه نوری، ۱۳۸۸: ۱۵۱)

در مجموعه قوانین کشورمان نیز تنها در لایحه مربوط به مجازات های جایگزین حبس که هرگز هم به تصویب نرسید در ماده یک از این مجازات به عنوان یک تدبیر جایگزین یاد شده است و مواد ۱۹ الی ۲۳ نیز به تعریف و توصیف آن پرداخته اند. ماده ۱۹ اعلام می دارد: «خدمات عمومی خدماتی است که محکوم علیه بدون دریافت دستمزد به دستور دادگاه به نفع جامعه انجام می دهد. دادگاه با توجه به نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمانی، روانی و مهارت شخص حکم به انجام خدمات عمومی صادر می کند».

محرومیت از حقوق اجتماعی، یکی از مصادیق واکنش جامعه در مقابل جرم و بزهکاری است که در حقوق کیفری از آن بحث می شود، بدین معنا که شخص در اثر ارتکاب برخی از جرایم و محکومیت کیفری، از تمام یا برخی حقوق و مزایای اجتماعی و سیاسی خویش محروم می گردد. موضوع محرومیت از حقوق اجتماعی در بسیاری از کشورها بویژه ایران، به عنوان یکی از مجازات ها مطرح بوده است پیشینه این مجازات در حقوق کشورمان، به قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بر می گردد این مجازات در اصلاحات بعدی بویژه بعد از انقلاب اسلامی نیز دگرگونی های زیادی به خود دیده است از طرفی، این مجازات با مزایای اجتماعی و سیاسی افراد و حقوق و آزادیهای مشروع و قانونی شهروندان سرو کار دارد، و در مواردی این حقوق و آزادیها را محدود می نماید یا شخص محکوم را از آن محروم می کند از این رو، شناخت مفهوم و مصادیق حقوق اجتماعی و ارائه ضابطه دقیق در این میان، ضروری می نماید تا مبدا حقوق آزادی های مشروع افراد جامعه بویژه محکومان، بی جهت و بدون ضابطه مشخص قانونی، تضییع شود. برداشت دیگری که از مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی شده این است که آن را یکی از مصادیق عمده مجازات تبعی دانسته اند و در نقد تعریف مجازات تبعی گفته شده محرومیت از حقوق اجتماعی لزوماً به معنای مجازات تبعی نیست و بین این دو مفهوم عموم و خصوص من وجه وجود دارد و

ممکن است در قالب مجازات اصلی و تکمیلی نیز صورت بگیرد و این اتفاق حاصل گردد که این مجازاتی است که خود به خود و بدون لزوم ذکر در حکم دادگاه بر مرتکب جرم اعمال می گردد و محرومیت از حقوق اجتماعی یکی از مصادیق مجازات تبعی و منحصر به آن نمی باشد و نکته ای دیگر آنکه مجازات تبعی می تواند به سبب ارتکاب جرم خاص و یا محکومیت به جرم یا مجازات خاص و یا به سبب تحمل مجازات خاص بر شخص اعمال می گردد از این رو می توان مجازات تبعی را مجازاتی دانست که به موجب قانون و بدون نیاز به حکم قضائی به سبب ارتکاب جرم خاص یا محکومیت به ارتکاب جرم و یا مجازات خاص و یا تحمل مجازات خاص بر شخص بار می شود.

حقوق اجتماعی به جامعه ای که مبتنی بر احترام به آزادی های سنتی و کرامت انسانی است محتوا می بخشد و تحقق آن را ممکن و میسر می سازد به عبارت بهتر حقوق اجتماعی یک سلسله امتیازاتی است که دولت ها با مشارکت فعالانه خود ، باید برای ملت خویش فراهم آورد و حقوقی نظیر اشتغال ، تامین اجتماعی ، بهداشت ، مسکن ، آموزش و پرورش و... را در دستور کار و برنامه های خود قرار دهند. (موسی زاده، ۱۳۹۰: ۲۶۳)

تعریف قانونی ارائه شده توسط مقنن در تبصره یک ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ بیان شده بود، حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد. ولی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار حقوق اجتماعی را چنین تعریف نموده است: حقوق اجتماعی عبارت است: از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت ایران منظور نموده است و سلب آن منحصرأ به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد. لیکن تعریف محرومیت از حقوق اجتماعی در قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ی ۲۶ حذف و تنها به مصادیق آن اشاره شده است. فقهای اسلام در مباحث مربوط به احکام جزایی نوعاً مجازات های اسلامی را به چهار نوع: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم بندی کرده اند. (محقق حلی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۴۷) در ماده ۷ قانون راجع به مجازات اسلامی (۱۳۴۱) نیز بر همین مبنا، مجازات ها به چهار قسم تقسیم شده بود. تا اینکه در قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) نوع پنجمی به عنوان مجازات های بازدارنده به انواع چهارگانه مجازات در ماده ۱۲ اضافه شد.

۴-۲-۴- آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی

روش نیمه آزادی مانند پلی پیش از آنکه محکومان به زندان از امتیازات آزادی مشروط بهره مند شوند دوران زندان را به دوران آزادی متصل می کند. در این روش محکومان به زندان روزها در بیرون از زندان به کار می پردازند و شبها دوباره به زندان باز می گردند. معمولاً محل سکونت این گروه از زندانیان از دیگران جداست و بیشتر به محل اقامت خانواده های آنها شبیه است. در نظام جدید زندانبانی که اعطای نیمه آزادی بیش از پیش بطور مستقل متداول است محکومان به زندان اجازه دارند ایام تعطیل و تعطیلات آخر هفته را در بیرون از زندان بگذرانند (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۸).

زندان مجازاتی پذیرفته شده و غیرقابل انکار در تمامی جهان است. با وجود این، حقوقدانان معایب فراوان برای این مجازات برشمرده اند یکی از مشکلات زندان این است که ایجاد انواع امکانات، آموزشی، فنی - حرفه ای و ارتباطی در محیط بسته زندان به طوری که بتواند پاسخگوی نیازهای متنوع مددجویان باشد، امری غیرممکن و بسیار پرهزینه است. لذا، نظام های مدرن کیفری تلاش می کنند تا با اعمال نهادهایی نوین از مضرات مجازات زندان برای فرد، خانواده او و جامعه کاسته و بر نکات مثبت این مجازات برای تنبیه و اصلاح مجرم استفاده کنند. نظام نیمه آزادی یکی از این روشهاست که با آزادی نیمه وقت مجرم موافقت کرده و بر نظارتی دایم بر او تاکید دارد. این روش از یک طرف ثبات خانوادگی مجرم را حفظ کرده و اصل فردی بودن مجازاتها را نیز تضمین می کند و از طرف دیگر اصلاح مجرم را در دستور کار قرار می دهد.

یافته ها نیز نشان دهنده این نکته است که اعمال شیوه مدیریت واحد (یکسان برای همه) در زندان نمی تواند تغییرات اصلاحی مورد نظر را در زندانیان فراهم آورد و این پیام را آشکار می سازد که به جای اعمال شیوه مدیریت واحد و یکسان برای همه زندانیان، لازم است از الگوهای دیگر همچون، نظام نیمه آزادی استفاده شود. این نوع نظام، که به موجب آن، محکوم شغل و یا دست کم کار خود خارج از محیط زندان را در طول روز حفظ و شبها و روزهای تعطیل را در زندان سپری می کند می تواند به حبس های پایان هفته ای نزدیک دانست. (آنسل، ۱۳۹۱: ۹۹).

فصل هفتم بخش دوم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ۲ ماده به تبیین نظام نیمه آزادی پرداخته است. ماده ۵۵ این قانون نظام نیمه آزادی را شیوه های دانسته که بر اساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر این ها را در خارج از زندان انجام دهد. این ماده، نظارتی مستمر را بر این

نظام در نظر گرفته و مقرر کرده که اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تاسیس می شود. ماده ۵۶ این قانون نیز محدوده اختیار عمل قضات برای حکم به اعمال نظام نیمه آزادی برای مجرمان را مشخص کرده و محکومان قطعی به حبس های تعزیری درجه ۵ تا ۷ را مشروط به گذشت شاکي، سپردن تأمین مناسب، تعهد به انجام یک فعالیت شغلي، مشارکت در تداوم زندگي خانوادگي و درمان اعتیاد یا بیماری محکوم را با رضایت وی، مشمول این نظام قرار داده است گفتنی است که این ماده قانونی محکومانی که دوره حبس آنها به میانه رسیده را نیز از نظر دور نداشته و مقرر کرده که این محکومان نیز می توانند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا کنند و دادگاه موظف به رسیدگی خواهد بود.

بر اساس ماده ۵۷ قانون مجازات ۱۳۹۲، در حبس های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادر کننده حکم قطعی می توان مشروط به گذشت شاکي و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلي، حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگي خانوادگي یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرایند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده موثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می تواند در طول دوره تحمل مجازت در صورت دار بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.

با توجه به ماده مذکور قاضی می تواند محکومین به حبس از ۹۱ روز تا ۵ سال را در صورت داشتن دیگر شرایط شامل نظام نیمه آزادی بداند.

البته تأکید قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به نظام نیمه آزادی در مفهوم خاص خود بوده، نظام نیمه آزادی در معنای خاص خود روشی برای محدودیت زندان گفته می شود که قانونگذار نیز آن را در این قانون پذیرفته است. در خصوص کسانی که جرمشان بدهی مالی است، اگر فرد به طور کامل در حبس بماند، دیگر فرصتی برای کسب درآمد و برگرداندن بدهی برای او وجود ندارد. اما با استفاده از نظام نیمه آزادی می تواند از زندان خارج شده و برای پس دادن طلب مردم تلاش کند. پس فردی که در قالب نیمه آزادی آزاد میشود هم می تواند در اجتماع بوده و هم می تواند کار کند و هم از محیط زندان دور شود، البته بایستی تأکید کرد که رویکرد نظام نیمه آزادی، سودمند شدن یک فرد برای خانواده و جامعه است. البته استفاده از چنین تخفیف هایی تنها باید برای مجرمانی باشد که حالت

خطرناکی نداشته و آزادی آنها برای جامعه مضر نیست. بنابراین مجرمانی که خطر آفرین نبوده مانند کسی که مرتکب اعمالی مثل قتل و از این قبیل جرایم شده است، باید از مجرمانی که بدهی مالی و یا جرایم سبک این چنینی دارند جدا بوده و کسانی که شرارت می کنند نباید از چنین تسهیلات قانونی استفاده کنند.

۴-۳- کیفر زدایی در تعدد جرم

قانونگذار در ماده ۱۳۴ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نحو قابل دفاع و البته غیر کافی، معیارهای قانونی متفاوتی را در خصوص تعدد جرائم تعزیری مورد شناسایی قرارداد. میتوان گفت در قانون جدید، چهار ضابطه متفاوت: ۱- اجرای مجازات اشد ۲- تشدید مجازات (با رعایت شروط و قواعد خاص قانونی) و ۳- جمع مجازات (صرفاً در حدود و قصاص و دیات و مجازات تعزیری درجه ۷ و ۸) ۴- صدق یک عنوان خاص بر رفتارهای مجرمانه متعدد ارتكابی و اعمال مجازات همان عنوان خاص مجرمانه، با لحاظ تغییراتی نسبت به قوانین سابق مورد پذیرش قرار گرفته است.

بهره گیری از اختیارات قضایی در جهت تعیین مجازات متناسب و تحقق اصل فردی سازی رسیدگی کیفری در مرحله محاکمه و صدور حکم که از اصول دادرسی منصفانه محسوب می گردد، با هدف اصلاح مجدد و باز اجتماعی و بازپروری بهتر بزهکاران از الزامات است. مطالعه و بررسی چگونگی به کارگیری این اختیارات در هنگامی که با تعدد مادی جرائم مواجه هستیم، بسیاری از ابهامات و اشکالات اجرای مقررات تعدد جرم را مرتفع می سازد. خوشبختانه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار سعی در ضابطه مندی بیشتر این اختیارات قضایی نموده است تا از برداشتها و تفاسیر مختلف در هنگام عمل جلوگیری نماید ولی در برخی از موارد نیز موضوع قابلیت اعمال یا عدم اعمال این اختیارات قضایی در زمانی که با تعدد مادی جرائم روبرو هستیم، به سکوت گذاشته و گذشته است.

با وجود آنکه تعدد جرم از علل مشدده به شمار می رود و حالت خطرناک مجرم و همچنین ایجاد نظم و امنیت اجتماعی اقتضا می کند نسبت به خطاکارانی که با ارتکاب جرائم متعدد به این نظم و امنیت لطمه وارد می کنند، شدت عمل بیشتری نشان داده شود (نوربها، ۱۳۹۲: ۴۱۶)، اما تبصره ۳ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، به درستی و همچون تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون سابق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، تعدد جرم را مانع از اعمال تخفیف در مجازات در صورت وجود کیفیات مخففه، ندانسته است. دلیل این امر نیز

روشن است زیرا همیشه نمی‌توان به صرف تعدد جرائم، به ویژه وقتی جرائم از نوع خفیف باشد، به شدت عمل متوسل شد و قاضی باید بتواند با شناختی که از مجرم پیدا می‌کند و با توجه به کیفیات و نحوه ارتکاب جرم و شخصیت بزه‌کار، حکم بر مجازات صادر نماید و به عبارت دیگر، تعدد همیشه دلیل کافی بر وجود حالت خطرناک نیست (نوربها، ۱۳۹۲: ۴۱۶).

بنابراین، تعدد مادی جرائم تعزیری مانع از اعمال تخفیف در مجازات نیست ولی این امر، دارای ضوابطی است و دادگاه در اعمال تخفیف دارای اختیارات بی حد و حصر نیست. البته ارتکاب جرم جدید بعد از اعمال جهات مخففه تأثیری در موقعیت جرم قبلی مشمول مجازات تخفیف یافته ندارد (گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۳۲). به موجب تبصره ۳ ماده ۱۳۴ ق.م.ا: «در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد». به عنوان مثال: چنانچه شخصی به صورت جداگانه دو فقره جرم خیانت در امانت را مرتکب شود که مجازات هر یک از آنها از شش ماه تا سه سال حبس است، در صورتی که دادگاه بخواهد با وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تقلیل دهد، حداقل می‌تواند حکم به بیستویک ماه حبس و حداکثر سه سال حبس بدهد ولی کمتر از مدت مذکور نمیتواند حکم کند (طریق محاسبه میانگین مجازات: حداقل به اضافه حداکثر مجازات تقسیم بر تعداد جرائم ارتکابی). تبصره مذکور، تکرار و تقلید ناقص از بند «ح» ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ است. چرا که در قانون اخیرالذکر، اولاً: به خوبی و هماهنگی با اصل پیش بینی شده در صدر ماده در خصوص تعدد جرائم ارتکابی، در تخفیف مجازات نیز از همان اصل تبعیت نموده و بر مبنای تعداد رفتارهای مجرمانه ارتکابی، میزان تخفیف نیز تعیین نموده است. ثانیاً: در اعمال حداکثر تخفیف نیز ضابطه ایجاد نموده و در هر دو مورد (جرائم ارتکابی کمتر یا بیشتر از سه جرم) پس از اعمال تخفیف، مقرر داشته: «در هر صورت مجازات را نمیتوان کمتر از ۶۱ روز حبس جنحه ای تعیین کرد».

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، حداکثر مجازات قابل تخفیف را مشخص نموده ولی از تفکیک مذکور در صدر ماده در خصوص تعدد جرائم ارتکابی (کمتر یا بیشتر از سه جرم) خودداری نموده و هیچگونه تفاوتی در اعمال تخفیف بین شخصی که دو جرم تعزیری انجام داده با شخصی که مثلاً مرتکب ده جرم تعزیری گردیده قائل نشده است که این رویکرد قابل دفاع نیست و لازم بود نسبت به شخصی که مرتکب جرم کمتر از نصاب

قانونی (کمتر از سه جرم) شده باشد، در صورت وجود جهات مخففه، نسبت به شخصی که مرتکب جرائم بیشتر از نصاب قانونی (بالتر از سه جرم) گردیده، تخفیف بیشتری قابل اعمال باشد.

نتیجه گیری

بررسی سیر تحول و تعدیل ضمانت اجرای کیفری در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که تحت تاثیر اندیشه های امام خمینی که معتقد به رعایت مصلحت در انقلاب اسلامی و از جمله قانون گذاری در حوزه مجازات ها در حقوق کیفری بودند، و همچنین تربیت و اصلاح را به عنوان یکی از ارزش های مهم انقلاب اسلامی بر می شمردند، نگرش انقلاب اسلامی به مجازات های شرعی، خصوصاً مجازات های بدنی به تدریج به سمت مجازات های متناسب تر با شرایط زمان و قابل پذیرش تر از جهت افکار عمومی داخلی و خارجی تغییر یافته و اعضای مجلس قانونگذاری و مسئولین ارشد قضایی کشور در تهیه و تصویب لوایح قضایی مربوط به مجازات ها، در جهت تعدیل هر چه بیشتر از یک طرف و کارآمدتر کردن مجازات ها از طرف دیگر، گام برداشته اند.

علاوه بر این زمینه های جامعه شناسی اندیشه های امام در خصوص تاثیر متقابل جامعه و فرد بر همدیگر، بهره گیری از رویکرد اصلاح گرایانه در خصوص زندانیان با هدف تحقق جامعه سالم و مطلوب قرآنی را ضروری ساخته است. بر همین اساس تحول و تعدیل در برخی حوزه های حقوق کیفری از قبیل وضع جرائم جدید و اصلاح و تغییر قواعد مختلف جزائی نیز وجود داشته است. به ویژه در دهه ۱۳۸۰، زمینه به طور بسیار آرام به سمت تعیین میزان دقیق تر مجازات در راستای اعمال اصل قانونی بودن کیفر رفت. در این دهه، لوایحی تهیه شد که در آن از الگوی کیفردهی غیرالزامی مفروض پیروی می شد. در نهایت قانون مجازات اسلامی که حاصل تغییرات آرام دهه گذشته بود در سال ۱۳۹۲ تصویب شد که در آن تغییر کاملاً فاحشی از الگوی کیفردهی اختیاری به سمت الگوی کیفردهی مفروض صورت گرفت. این تغییرات را به طور عمده می توان ناشی از قرائت های جدید در فقه تحت تاثیر اندیشه های امام خمینی و توفیق اندیشه های عرفی بر رویکرد سنتی فقهی دانست که بر پایه تغییرات اندیشه ای دهه ۱۳۸۰ ایجاد شد. در این رویکرد میزان دقیقی برای تخفیف تعیین شده است. علاوه بر این کیفرزدایی به عنوان یک راهبرد اساسی در سیاست جنایی، مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است که در قانون مجازات ۱۳۹۲ منعکس شده است؛ زیرا با حفظ وصف مجرمانه برای رفتاری که تنها واکنش کیفری از آن زدوده شده است،

محظورات و محدودیت های کمتری نسبت به سایر سیاست ها دارد. نهادهای مورد تاکید در قانون مجزات ها به عنوان سازوکار کیفرزدایی می توانند در حقوق ایران با موفقیت همراه بوده و نقشی عمده در کاهش جمعیت تورم کیفری داشته باشند، مشروط بر اینکه راهبردهای پیشنهادی مورد توجه کنشگران سیاست جنایی قرار گیرد تا زمینه ی اجرای بهتر این نهادها در جامعه فراهم شود.

منابع و مآخذ:

الف- منابع فارسی

اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، **حقوق جزای عمومی**، نشر میزان.
آنسسل، مارک، ۱۳۹۱، **دفاع اجتماعی**، ترجمه محمدآشوری
وعلی حسین نجفی ابرنسدآبادی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات
کتابخانه گنج دانش.

پور بهمنی، عباس، ۱۳۹۳، اثر توبه در سقوط مجازات حدی در فقه
و حقوق موضوعه ایران، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه
ارومیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۸، **مبسوط در ترمینولوژی
حقوق**، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، جلد دوم.

جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۸۴، **اندیشه سیاسی امام خمینی**،
تهران، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.

خمینی، روح اله، ۱۳۷۷، **صحیفه نور**، ج ۱۳، مجموعه رهنمودهای
حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) طبع و نشر.

خمینی، روح اله، ۱۳۷۳، **ولایت فقیه**، چاپ سوم، تهران، مؤسسه
نشر و تنظیم آثار امام خمینی.

خمینی، روح اله، ۱۳۸۶، **صحیفه امام (ره)** (مجموعه
سخنرانی ها، نامه ها، پیام های امام خمینی (ره)، جلد های ۱۵ و ۱۷،
چاپ چهارم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، **شرح چهل حدیث**، چاپ اول، تهران:
موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خواجه نوری، یاسمن، ۱۳۸۸، نقش کیفر های جامعه مدار در
پیشگیری از تکرار جرم در کودکان، **مجموعه مقالات کارگاه های
کارگروه پیشگیری از تکرار جرم و بزه دیدگی** با تأکید بر
نقش پلیس، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
عبدی، عباس، ۱۳۸۱، «زندان و ارتکاب مجدد جرم»، مجله
جامعه شناسی ایران، ش ۱۴.

گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۷، **محشای قانون مجازات اسلامی**،
تهران: انتشارات مجد.

ضیائی فر، سعید، ۱۳۹۱، **درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه**
(مجموع مقالات و نشست ها)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

مبلغی، احمد، ۱۳۹۱، **درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه**
(مجموع مقالات و نشست ها)، به کوشش سعید ضیائی فر، قم،
دفتر تبلیغات اسلامی.

موسی زاده، ابراهیم، ۱۳۹۰، بررسی مبانی حقوق اجتماعی، مجله ی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تابستان.

مهرپور، حسین، ۱۳۷۴، «سرگذشت تعزیرات»، **مندرج در:**
دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، چاپ دوم، تهران،
مؤسسه اطلاعات

نجفی ابرنسدآبادی، علی حسین و حبیب زاده، محمد جعفر و
خالقی، ابوالفتح، ۱۳۸۰، «حبس خانگی»، **فصلنامه مدرس**، دوره
۵، شماره ۴، زمستان.

نجفی توانا، علی، ۱۳۸۶، «تعارض و انسداد در سیاست جنایی
ایران»، **مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل**،
تابستان، پیش شماره ۱.

نجفی قیری، علیرضا، ۱۳۹۲، نقش مجازات های جایگزین حبس در
کاهش تکرار جرم، **پایان نامه** دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
مرکزی.

نوربها، رضا، ۱۳۹۲، **زمینه حقوق جزای عمومی**، تهران:
انتشارات دادآفرین، گنج دانش.

ب- منابع عربی

خمینی، روح اله، ۱۳۵۸، **الرساله**، ج ۲، مع تذهیلات لمجتبی
الطهرانی، قم، چاپخانه مهر.

محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، ۱۳۸۹، **شرایع
الاسلام**، ج ۴، تهران.

شلتوت، محمد، ۱۳۸۲، **تفه سیر قرآن کریم**: تفسیر ده جزء اول
قرآن (شامل نه سوره)، آستان قدس رضوی، به نشر مترجم:
محمدرضا عطایی، آستان قدس رضوی، به نشر.

-